

**The Notion of Abrogation in the Interpretation of the Holy
Quranic Verses: A Case Study of Verse 24 of Surah An-Nisa**
Ali Abdollahzadeh¹

Abstract

The issue of *Naskh* (abrogation) is one of the important matters in the field of Quranic sciences that has been utilized in the process of interpretation. However, the occasional reliance on this rule has created problems in understanding and interpreting Quranic verses. Among these, verse 24 of Surah An-Nisa can be pointed to, which has long been the focus of one of the most significant interpretive and jurisprudential differences between Shia and Sunni Muslims. This article, using a descriptive-analytical and comparative approach, examines the views of the two schools regarding the implication of the verse and the issue of abrogation or continuation of its ruling. The main issue is how to understand the verse's indication of *Mut'ah* (temporary marriage) and the evaluation of the evidence for its abrogation or non-abrogation. Findings reveal that Shia, by citing the strong apparent meaning of the word "istimta'" (to derive pleasure, referring to *Mut'ah*), the interpretive recitations of the Companions, and the frequently transmitted narrations of the Ahl al-Bayt (AS), consider the verse's indication of the legislation of *Mut'ah* to be clear and reject the evidence for abrogation (Quranic, narrative, and claimed consensus) by relying on jurisprudential principles. In contrast, Sunnis primarily interpret the verse as referring to permanent marriage, or, while accepting its initial indication of *Mut'ah*, consider its ruling to be abrogated based on other verses, prophetic narrations (despite the evident inconsistency in them), and the claimed consensus. This research concludes that the strength of Shia evidence in proving the verse's implication and criticizing the evidence for abrogation, particularly by relying on the impossibility of abrogating the Quran by solitary reports (*khavar-e vahid*) and the absence of true consensus, is considerable. Considering the principle of *asl al-adam al-naskh* (the presumption of non-abrogation), the notion of abrogation in the interpretation of this noble Quranic verse is not likely to be correct.

Keywords: Abrogation (Naskh), Verse 24 of An-Nisa, Quranic Interpretation, Comparative Interpretation.



1 . Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahid Motahari Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad



دراسة تفسيرية لمسألة النسخ في تفسير آيات القرآن الكريم: دراسة حالة للآية ٢٤ من سورة النساء المباركة

على عبد الله زاده^١

ملخص

تُعد مسألة النسخ من القضايا الهامة في علوم القرآن، والتي استُخدمت في عملية التفسير. ومع ذلك، فإن الاستدلال المتكرر بهذه القاعدة قد أوجد مشاكل في فهم وتفسير الآيات القرآنية. ومن بين هذه الآيات، يمكن الإشارة إلى الآية ٢٤ من سورة النساء، والتي كانت منذ فترة طويلة محوراً لأحد أهم الخلافات التفسيرية والفقهية بين الشيعة وأهل السنة. تبحث هذه المقالة، بمنهج وصفى-تحليلي ومنظور مقارن، في وجهات نظر المذهبين فيما يتعلق بدلالة الآية ومسألة نسخها أو بقاء حكمها. القضية الرئيسية هي كيفية فهم دلالة الآية على "المتعة" وتقييم الأدلة التي تشير إلى نسخها أو عدم نسخها. تشير النتائج إلى أن الشيعة، بالاستناد إلى الظهور القوي لكلمة "الاستمتاع" بمعنى المتعة، وقراءات الصحابة التفسيرية، والروايات المتواترة عن أهل البيت عليه السلام، يرون دلالة الآية على تشريع المتعة واضحة، ويرفضون أدلة النسخ (القرآنية، الروائية، والإجماع المدعى) بالاعتماد على الأصول الفقهية. في المقابل، فإن أهل السنة يحملون الآية بشكل عام على النكاح الدائم، أو بقبول الدلالة الأولية على المتعة، يعتبرون حكمها منسوخاً بالاستناد إلى آيات أخرى، والروايات النبوية (رغم الاضطراب الواضح فيها)، والإجماع المدعى. وتخلص هذه الدراسة إلى أن قوة أدلة الشيعة في إثبات دلالة الآية ونقد أدلة النسخ، خاصة بالاعتماد على استحالة نسخ القرآن بخبر الواحد وعدم تحقق الإجماع الحقيقي، أمر لافت للنظر، ومع الأخذ في الاعتبار أصالة عدم النسخ، فإن اعتبار النسخ في تفسير هذه الآية الكريمة غير صحيح.

الكلمات المفتاحية: النسخ، آية ٢٤ النساء، تفسير القرآن، التفسير المقارن.

١. أستاذ مساعد بقسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والعلوم الإسلامية الشهيد المطهرى، جامعة فردوسى

پندار نسخ در تفسیر آیات قرآن کریم مطالعه موردی آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء

علی عبدالله زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

چکیده

مسأله نسخ از جمله مسائل مهم حوزه علوم قرآن است که در فرآیند تفسیر مورد استفاده قرار گرفته است. با این وجود، استدلال گاه و بی گاه به این قاعده، مشکلاتی را در فهم و تفسیر آیات قرآنی پدید آورده است. در این میان می توان آیه ۲۴ سوره نساء اشاره نمود که از دیرباز کانون یکی از مهم ترین اختلافات تفسیری و فقهی میان شیعه و اهل سنت بوده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به بررسی دیدگاه های دو مذهب در خصوص دلالت آیه و مسئله نسخ یا بقای حکم آن می پردازد. مسئله اصلی، چگونگی فهم دلالت آیه بر متعه و ارزیابی ادله ناظر بر نسخ یا عدم نسخ آن است. یافته ها نشان می دهد شیعه با استناد به ظهور قوی لفظ «استمتاع» در معنای متعه، قرائات تفسیری صحابه و روایات متواتر اهل بیت علیهم السلام، دلالت آیه بر تشریع متعه را روشن دانسته و ادله نسخ (قرآنی، روایی، اجماع ادعایی) را با تکیه بر مبانی اصولی مردود می شمارد. در مقابل، اهل سنت عمدتاً آیه را بر نکاح دائم حمل کرده یا با پذیرش دلالت اولیه بر متعه، حکم آن را با استناد به آیات دیگر، روایات نبوی (علی رغم اضطراب مشهود در آنها) و اجماع مورد ادعا، منسوخ می دانند. این پژوهش نتیجه می گیرد که قوت ادله شیعه در اثبات دلالت آیه و نقد ادله نسخ، به ویژه با تکیه بر عدم امکان نسخ قرآن با خبر واحد و عدم تحقق اجماع واقعی، قابل توجه است و با توجه به اصالت عدم نسخ، پندار نسخ در تفسیر این آیه کریمه قرین به صحت نیست.

کلید واژه ها: نسخ، آیه ۲۴ نساء، تفسیر قرآن، تفسیر تطبیقی



از جمله مسائل مهم در حوزه علوم قرآن و حدیث مسأله نسخ است. در این باره میان محققان علوم قرآنی اختلاف فراوانی وجود دارد و از همین رو ضروری است این قاعده و کاربرست آن در تفسیر قرآن کریم مورد واکاوی قرار گیرد. در این باره در تحقیق حاضر به بررسی پندار نسخ در ارتباط با آیه ۲۴ سوره نساء پرداخته ایم که یکی از آیات کلیدی و در عین حال چالش برانگیز قرآن کریم در حوزه تفسیر و فقه اسلامی به شمار می‌رود و به دلیل دلالت احتمالی بر مسئله متعه (نکاح منقطع) و همچنین احتمال وقوع نسخ نسبت به آن، به نقطه اصلی اختلاف نظر میان شیعه و اهل سنت تبدیل شده است. متن آیه چنین است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴). این عبارت به سبب ابهام ظاهری در معنای «استمتاع» و ارتباط آن با احکام ازدواج، زمینه‌ساز تفاسیر متفاوتی شده که از یک سو، شیعه آن را دلیلی بر مشروعیت متعه می‌داند و از سوی دیگر، اهل سنت عمدتاً آن را به نکاح دائم یا نسخ شده تفسیر می‌کنند. اهمیت این آیه نه تنها در جنبه فقهی و احکام عملی آن، بلکه در فهم مبانی تفسیری و رویکردهای هر یک از مذاهب اسلامی به روش‌های استنباط از قرآن نهفته است. بررسی دقیق این آیه می‌تواند به روشن شدن تفاوت‌های بنیادین در نگرش‌های تفسیری و فقهی منجر شود و از این رو، شایسته توجه علمی ویژه‌ای است.

بررسی تطبیقی و منصفانه ادله شیعه و اهل سنت درباره دلالت و نسخ آیه ۲۴ سوره نساء از چند جهت ضروری است. نخست، این بررسی به فهم عمیق‌تر مبانی تفسیری و فقهی هر یک از مذاهب کمک می‌کند و امکان تحلیل روش‌های استنباط احکام از آیات قرآن را فراهم می‌سازد. دوم، با توجه به حساسیت موضوع متعه در تاریخ فقه اسلامی و تأثیر آن بر روابط اجتماعی و خانوادگی، روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق میان این دو دیدگاه می‌تواند زمینه‌ساز گفتگوی علمی شود. سوم نیز بررسی پندار نسخ و عدم کاربرست آن در این آیه کریمه است که نمونه‌ای از کژفهمی در کاربرست این قاعده است. هدف اصلی این پژوهش، ارائه تحلیلی جامع از نظرات مفسران شیعه و اهل سنت بر اساس روش توصیفی تحلیلی است تا از این طریق، هم دلالت آیه بر تشریع یا عدم تشریع متعه و هم مسئله نسخ یا بقای آن به صورت مستدل بررسی گردد.



۱. پیشینه

در ارتباط با پیشینه تحقیق حاضر می‌توان به تحقیق‌هایی همچون «دراسة تفسیرية لقول الله تعالى: فما استمتعتم به منهن» از عبدالرحمن عبدالله سرور الجرمان (الجرمان، ۱۴۳۶، ۱۰۳) و مقاله «ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آراء تفسیری فریقین با تاکید بر انسجام، نظم شبکه ای و فراعصری بودن متن» از فاطمه سادات حسینی و بی بی زهرا حسینی جهان آباد (حسینی و حسینی جهان آباد، ۱۴۰۲، ۶۵) اشاره نمود. با این وجود مسأله نسخ که از مهمترین قواعد قرآنی است در آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء مورد بررسی قرار نگرفته است که این مقاله در صدد پرداختن به این مسأله است.

از پذیرش تا نسخ: دیدگاه اهل سنت درباره آیه متعه

باید توجه داشت که انکار دلالت آیه بر متعه، موضع تمام علمای اهل سنت نیست. گروه قابل توجهی از آنان، به ویژه مفسران متقدم‌تر یا آنان که به تفصیل به تاریخچه بحث پرداخته‌اند، می‌پذیرند که آیه در ابتدا ناظر به نکاح متعه بوده یا دست‌کم شامل آن می‌شده است، اما قریب به اتفاق معتقدند که این حکم به وسیله سنت قطعی پید ﷺ یا آیات دیگر قرآن نسخ شده و حرمت ابدی یافته است (سمرقندی، بی‌تا، ج: ۱، ص: ۲۹۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج: ۳، ص: ۲۸۷-۲۸۸؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج: ۱، ص: ۵۹۵-۵۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج: ۱۰، ص: ۴۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج: ۵، ص: ۱۳۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج: ۱، ص: ۳۹۲). این دیدگاه که دلالت اولیه را می‌پذیرد ولی حکم نهایی را مبتنی بر نسخ می‌داند، نقطه اتصال میان بحث دلالت آیه و بحث نسخ آن است و زمینه را برای ورود به تحلیل تفصیلی ادله نسخ در بخش بعدی مقاله فراهم می‌آورد.

۲. تحلیل مسئله نسخ آیه ۲۴ سوره نساء

در این بخش از مقاله، ادله قائلین به باب نسخ یا عدم نسخ آیه و حکم مستفاد از آن (متعه) به تفصیل بررسی می‌شود.





۳. دیدگاه اهل سنت: نسخ حکم متعه مستفاد از آیه

اکثریت قاطع علمای اهل سنت، بر فرض پذیرش دلالت اولیه آیه بر جواز متعه یا حتی صرفاً پذیرش جواز متعه در صدر اسلام براساس سنت نبوی، معتقدند این حکم قطعاً منسوخ شده و حرمت ابدی یافته است. اهم ادله آنان بر نسخ به شرح زیر است:

۴.۱. ادله قائلین به نسخ

۴-۱. نسخ به وسیله آیات دیگر قرآن

برخی مفسران و فقهای اهل سنت، با استناد به آیاتی که احکام کلی ازدواج، طلاق، عده و میراث را بیان می‌کنند، معتقدند این آیات، حکم متعه را که فاقد برخی از این احکام است، نسخ کرده‌اند:

آیه حفظ فروج (المؤمنون: ۵-۷): استدلال می‌شود که این آیات، استمتاع جنسی را تنها در دو قالب «زوجیت» و «ملک یمین» مجاز شمرده و هر چه غیر از آن باشد، مصداق «تعدی» و حرام است. از آنجا که زن در عقد موقت (متعه)، به عقیده آنان، نه زوجه حقیقی (به دلیل عدم توارث، عدم لزوم طلاق و تفاوت عده) و نه ملک یمین است، پس مشمول حرمت کلی آیه می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۹۸؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۱۶-۱۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ص ۲۸۸؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ص ۱۲۸۴).

آیات طلاق و عده (مانند طلاق: ۱؛ بقره: ۲۲۸): استدلال می‌شود که قرآن، جدایی میان زوجین را منحصر در طلاق با شرایط خاص و لزوم عده معین (سه قرء برای مطلقه یا چهار ماه و ده روز برای متوفی عنها زوجها) کرده است، در حالی که متعه با انقضای مدت و بدون طلاق پایان می‌یابد و عده آن نیز متفاوت است. این تفاوت‌ها دلیل بر نسخ حکم متعه توسط این آیات عام دانسته شده است (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۹۸؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۱۶، ۱۱۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ص ۲۸۸). ابن مسعود نیز نسخ متعه به آیات طلاق، عده و میراث را نسبت داده است (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۹۴). ابن عباس نیز در

روایتی (که البته در صحت انتساب آن تردید وجود دارد) نسخ آیه متعه به آیه طلاق را مطرح کرده است (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۹۶).

آیات میراث (مانند نساء: ۱۲): از آنجا که در عقد متعه (بنا بر قول مشهور نزد اهل سنت و حتی برخی روایات شیعی در صورت عدم شرط) توارث میان زوجین برقرار نیست، اما آیات میراث به طور عام برای «ازواج» ارث قرار داده‌اند، نتیجه گرفته‌اند که متعه نمی‌تواند مصداق زوجیت قرآنی باشد و حکم آن با آیات ارث نسخ شده است (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۹۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۰؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ص ۱۲۸۴). سعید بن المسیب نیز قائل به نسخ با آیه میراث بوده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۹۱۹).

آیات دیگر (مانند تحریم و عدد): به ندرت به آیاتی چون آیه محارم (نساء: ۲۳) یا آیه تعدد زوجات (نساء: ۳) نیز برای نسخ استناد شده، با این توجیه که این آیات چارچوب نکاح دائمی را ترسیم می‌کنند که متعه با آن سازگار نیست (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۲۷۴) (در مقام نقل قول مخالف)).

۲-۴. نسخ به وسیله سنت نبوی

مهم‌ترین و رایج‌ترین دلیل اهل سنت بر نسخ متعه، استناد به روایات متعددی است که از پیامبر ﷺ نقل شده و دلالت بر نهی و تحریم ایشان نسبت به متعه در مقاطع مختلف زمانی و مکانی دارد. اگرچه در تعیین زمان دقیق نسخ اختلاف قابل توجهی در روایات وجود دارد، اما اصل صدور نهی نبوی مورد تأکید است:

تحریم در غزوه خیبر: حدیث مشهوری از امام ع علیه السلام نقل شده که پی صلی الله علیه و آله در روز خیبر، متعه زنان و خوردن گوشت الاغ اهلی را نهی فرمودند (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۱۰۰؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۴۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۱؛ ابن العربی، بی‌تا، ج ۱: ص ۳۹۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۵۹۶).

تحریم در فتح مکه: روایاتی، به ویژه از طریق سبرة بن معبد الجهنی، نقل شده که پیامبر ﷺ پس از آنکه در فتح مکه برای سه روز اجازه متعه دادند، تحریم ابدی آن را تا روز قیامت





اعلام فرمودند (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۱۰۱؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۱؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۵۹۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۴۲).

تحریم در حجة الوداع: روایاتی دیگر، باز هم عمدتاً از طریق سبرة الجهنی، زمان تحریم نهایی را حجة الوداع ذکر کرده‌اند (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۱۰۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۴۲).

تحریم در زمان‌های دیگر: به زمان‌های دیگری چون غزوه تبوک، غزوه اوطاس، یا عمره القضاء نیز در برخی روایات اشاره شده است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۵: ص ۱۳۱). طرفداران نسخ معتقدند اگرچه در تاریخ دقیق نسخ اختلاف وجود دارد، اما تعدد روایات و نقل آن از صحابه مختلف (مانند: عمر، ابن عمر، سلمه بن اکوع، سبرة الجهنی) دلیل بر قطعیت صدور نهی نبوی و نسخ حکم اباحه است.

۳-۴. نسخ به وسیله اجماع

یکی دیگر از ادله مهم اهل سنت، استناد به اجماع صحابه بر حرمت متعه است که تجلی بارز آن را در خطبه مشهور خلیفه دوم، عمر بن خطاب، می‌دانند. نقل شده که عمر بر منبر اعلام کرد: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله أنا أنهی عنهما و أعاقب علیهما: متعة النساء و متعة الحج» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۱۰۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۴۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ص ۱۱۸). استدلال می‌شود که اعلام این مطلب در حضور صحابه و عدم مخالفت آنان (یا دست کم عدم نقل مخالفت گسترده و مؤثر)، نشان‌دهنده اتفاق نظر آنان بر نسخ متعه در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و تأیید اقدام عمر در اجرای این حکم منسوخ بوده است. سکوت صحابه در برابر این اعلان، به منزله اجماع سکوتی بر حرمت متعه تلقی می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ص ۱۰۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ص ۴۲).

۵. جمع‌بندی و تحلیل قوت ادله نسخ از منظر قائلین

از منظر اکثر علمای اهل سنت، مجموع این ادله (قرآنی، روایی و اجماع) حجتی قوی و

قطعی بر نسخ حکم متعه و حرمت ابدی آن فراهم می‌آورد. اگرچه ممکن است در تعیین ناسخ دقیق (آیه خاص، روایت خاص یا اجماع) اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد، اما نتیجه نهایی، یعنی منسوخ بودن جواز متعه، نظر جمهور قاطع آنان است. استناد به آیاتی که چارچوب کلی نکاح دائم را مشخص می‌کنند، روایات متعدد (هرچند با اختلاف در زمان) که نهی صریح پیامبر را نقل می‌کنند، و اقدام خلیفه دوم که با سکوت تأییدآمیز برخی از صحابه همراه بوده، همگی به عنوان مؤیدات قوی برای این دیدگاه مطرح می‌شوند.

۶. دیدگاه شیعه: عدم وقوع نسخ و بقای حکم متعه

در مقابل، فقها و مفسران شیعه با ردّ ادله نسخ، بر بقای حکم جواز متعه که در قرآن (آیه ۲۴ نساء) و سنت نبوی ثابت شده، تأکید دارند. استدلال‌های اصلی این دیدگاه بر نقد ادله نسخ و اثبات بقای حکم استوار است. این مطلب نیز در جای خود ثابت شده است که در صورت دوران امر میان نسخ و عدم نسخ اصالت عدم نسخ جریان خواهد یافت (مظفر، بیتا، ج ۲: ص ۵۸).

۷. نقد ادله نسخ

۷-۱. نقد نسخ قرآنی

علمای شیعه معتقدند هیچ یک از آیات مورد استناد اهل سنت، توانایی نسخ آیه متعه را ندارند:

عدم تعارض: اساساً میان آیه متعه و آیاتی مانند آیه حفظ فروج، طلاق، عده و میراث، تعارض ذاتی وجود ندارد تا نیازی به نسخ باشد. رابطه این آیات با آیه متعه، از نوع رابطه «عام» و «خاص» یا «مطلق» و «مقید» است. آیات عام طلاق، عده و میراث، احکام کلی زوجیت دائمه را بیان می‌کنند و آیه متعه به عنوان «خاص»، نوع دیگری از زوجیت با احکام ویژه خود (عدم نیاز به طلاق، عده متفاوت، عدم توارث در صورت عدم شرط) را تشریع می‌کند. خاص، مخصص عام است نه ناسخ آن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۲۷۴؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: صص ۷۰-۷۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۶۶).





ناسازگاری زمانی: آیه حفظ فروج (مؤمنون: ۵-۷) که به آن برای نسخ استناد می‌شود، در سوره مؤمنون قرار دارد که سوره‌ای مکی است، در حالی که آیه متعه (نساء: ۲۴) مدنی است و مکی نمی‌تواند ناسخ مدنی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۲۷۴). همچنین آیات طلاق در سوره بقره و آیات عدد و میراث در خود سوره نساء، قبل از آیه متعه آمده‌اند و دلیل متقدم نمی‌تواند ناسخ دلیل متأخر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۲۷۴).

صدق عنوان زوجیت: اساساً زن در عقد متعه، «زوجه» محسوب می‌شود و مشمول عموم «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ» قرار می‌گیرد. عدم برخورداری از برخی احکام زوجیت دائم (مانند ارث و طلاق)، اصل زوجیت را نفی نمی‌کند، چنانکه زوجه قاتل یا کافر نیز ارث نمی‌برد ولی زوجه است (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۶۵؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: صص ۷۰-۷۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۶۶).

۲-۷. نقد نسخ به سنت

روایات مورد استناد اهل سنت برای نسخ متعه توسط پید عليه السلام نیز از دیدگاه شیعه با اشکالات سندی و دلالتی متعددی مواجه است:

اضطراب و تعارض: همانطور که علمای اهل سنت نیز اذعان دارند، این روایات در تعیین زمان و مکان دقیق نهی پید عليه السلام بسیار مضطرب و متعارض هستند (خیبر، فتح مکه، اوطاس، تبوک، حجة الوداع، عمرة القضاء). این اضطراب شدید، اعتبار آنها را برای اثبات نسخ یک حکم قطعی قرآنی مخدوش می‌سازد (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۶۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ص ۱۰۶؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: صص ۱۶۲-۱۷۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۲۷۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ص ۲۹۷).

خبر واحد: این روایات غالباً از نوع خبر واحد هستند و خبر واحد (ظنی الصدور) نمی‌تواند ناسخ حکم ثابت شده به وسیله قرآن کریم (قطعی الصدور) باشد، به ویژه با توجه به اصل لزوم عرضه روایات بر قرآن (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۶۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ص ۱۰۶؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۷۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴:

ص ۲۷۵).

ضعف سندی و دلالی: در سند و متن برخی از این روایات، به ویژه روایات سبۃ الجهنی که محوریت دارند، از نظر رجالیون و محدثین شیعه و حتی برخی از اهل سنت، ضعف‌ها، اشکالات و احتمالاتی چون تقیه مطرح شده است (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۷۱).

تعارض با روایات تحلیل: این روایات با روایات معتبر دیگری که بر جواز و استمرار عمل به متعه تا پایان عمر پید علیه السلام و حتی دوران پس از آن دلالت دارند (مانند روایات جابر بن عبدالله و عمران بن حصین) در تعارض هستند (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۷۱).

۳-۷. نقد اجماع

ادعای اجماع صحابه بر حرمت متعه نیز از نظر شیعه مردود است:

عدم تحقق اجماع: با توجه به مخالفت صریح و مشهور افرادی چون امام عا علیه السلام، ابن عباس (تا پایان عمر یا دست کم بخش عمده آن)، عمران بن حصین، جابر بن عبدالله، ابن مسعود و جمعی دیگر از صحابه و تابعین با تحریم متعه، اساساً اجماعی در این مسئله شکل نگرفته است (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۷۱). ماهیت خطبه عمر: خود خطبه عمر و عبارت «أنا أنهي عنهما» به صراحت نشان می‌دهد که این یک تصمیم شخصی یا حکومتی از جانب او بوده و مبتنی بر نسخ قبلی توسط پید علیه السلام یا اجماع پیشین نبوده است. اگر نسخ قبلاً رخ داده بود، عمر باید به آن استناد می‌کرد نه اینکه نهی را به خود نسبت دهد (طوسی، بی تا، ج ۳: ص ۱۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: ص ۵۳؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۶۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ص ۱۵۸).

۴-۷. ادله بقای حکم

علاوه بر نقد ادله نسخ، شیعه بر بقای حکم جواز متعه به ادله زیر استناد می‌کند:





استمرار سیره برخی صحابه و تابعین: روایات متعددی نشان می‌دهد که حتی پس از نهی خلیفه دوم، عمل به متعه و فتوا به جواز آن توسط برخی صحابه (به‌ویژه ابن عباس و پیروان مکتب تفسیری او در مکه و یمن) و تابعین ادامه داشته است (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۵: ص ۱۳۳). حدیث جابر مبنی بر عمل به متعه در زمان پیامبر، ابوبکر و بخشی از خلافت عمر نیز مؤید این استمرار است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳: ص ۵۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۲: ص ۲۹۶).

روایات متعدد از اهل بیت علیهم‌السلام بر بقای حکم: مهم‌ترین دلیل شیعه بر بقای حکم متعه، روایات صریح و متواتر معنوی از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام است که همگی بر عدم نسخ آیه و حلّیت متعه تا روز قیامت تأکید دارند (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ص ۵۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ص ۲۳۳-۲۳۴؛ قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ص ۱۳۶).

تبیین ماهیت نهی خلیفه دوم: از دیدگاه شیعه، نهی عمر بن خطاب از متعه، نه بیان یک حکم شرعی منسوخ، بلکه یک «اجتهاد در مقابل نص» یا «حکم حکومتی» بر اساس مصلحت‌سنجی شخصی یا سیاسی بوده است که نمی‌تواند ناسخ حکم صریح قرآن باشد. نسبت دادن نهی به خود («أنا أنهی») و عدم استناد به نسخ نبوی، گزینه روشنی بر این مدعاست (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳: ص ۵۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ص ۱۵۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۲: ص ۲۹۷). قول مشهور امام علیه‌السلام «لولا نهی عمر عن المتعة ما زنی الا شقی» نیز نشان می‌دهد که علت ترک متعه، نهی عمر بوده نه نسخ نبوی (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ص ۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۶۷).

۸. تحلیل تطبیقی

با توجه به تحلیل تفصیلی دیدگاه‌های تفسیری و فقهی شیعه و اهل سنت پیرامون دلالت و نسخ آیه ۲۴ سوره نساء در بخش‌های پیشین، در این بخش به مقایسه تطبیقی مبانی استدلالی طرفین، شناسایی نقاط کلیدی اشتراک و افتراق، بررسی تأثیر پیش‌فرض‌ها و ارائه یک ارزیابی نهایی پرداخته می‌شود.

۹. مقایسه مبانی استدلال در دلالت

اختلاف اصلی در فهم دلالت آیه، ریشه در مبانی و روش‌های تفسیری متفاوت دارد: ظهور لفظی: شیعه بر ظهور قوی یا حقیقت شرعی/ متشرعه واژه «استمتعتم» در معنای عقد موقت (متعّه) در عرف زمان نزول تأکید دارد. در مقابل، اکثر اهل سنت این واژه را بر معنای لغوی عام (بهره‌مندی و تلذذ) یا معنای خاص دخول در چارچوب نکاح دائم حمل می‌کنند. این اختلاف در اولویت‌دهی به معنای عرفی-شرعی رایج یا معنای لغوی پایه، نقطه آغازین افتراق است.

قرائن سیاقی: هر دو مذهب به سیاق آیات توجه دارند، اما با نتایج متفاوت. اهل سنت سیاق کلی آیات نکاح دائم (قبل و بعد آیه ۲۴) را قرینه‌ای بر حمل آیه بر نکاح دائم می‌دانند. شیعه ضمن پذیرش قرارگیری آیه در مبحث نکاح، استدلال می‌کند که سیاق، پس از ذکر محارم و بیان قاعده کلی حلیت، زمینه را برای بیان یک نوع خاص از نکاح مشروع (متعّه) فراهم می‌کند و حمل آن بر نکاح دائم، موجب تکرار غیرلازم و ناسازگاری با احکام مهر دائم می‌شود. روایات تفسیری: شیعه به روایات صریح و متعدد از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان مفسران اصلی قرآن و حجت قطعی استناد می‌کند که آیه را بر متعه تطبیق داده و بر بقای حکم آن تأکید دارند. اهل سنت عمدتاً به روایات تفسیری برخی صحابه و تابعین (مانند ابن عباس در برخی نقل‌ها، حسن بصری، مجاهد) که آیه را در چارچوب نکاح دائم تفسیر کرده‌اند، توجه می‌کنند. در خصوص روایات صحابه و تابعین که مؤید متعه هستند، شیعه آن‌ها را شاهی بر فهم رایج زمان نزول می‌داند، اما اهل سنت یا آن‌ها را ناظر به حکم منسوخ دانسته یا در حجیت آن‌ها (به دلیل ضعف سند یا رجوع راوی) تردید می‌کنند.

قراءات: قرائت غیرمشهور «الی اجل مسمى» توسط شیعه به عنوان قرینه‌ای تفسیری قوی و مؤید معنای متعه تلقی می‌شود (ر.ک: بخش ۳.۱.۲). اهل سنت این قراءات را شاذ و فاقد حجیت قرآنی دانسته و استناد به آن برای اثبات حکم را جایز نمی‌دانند (ر.ک: بخش ۳.۲.۴).



۱۰. مقایسه مبانی استدلال در نسخ

اختلاف در مسئله نسخ نیز به مبانی اصولی و نحوه تعامل با ادله بازمی‌گردد:

جایگاه قرآن، سنت و اجماع: اهل سنت نسخ آیه متعه (یا حکم مستفاد از آن) را با استناد به آیات دیگر قرآن (مانند آیه حفظ فروج، آیات طلاق و میراث)، روایات نبوی (هرچند مضطرب در تعیین زمان) و اجماع ادعایی صحابه (به ویژه پس از نهی خلیفه دوم) اثبات می‌کنند. شیعه ضمن رد امکان نسخ قرآن با خبر واحد (که عمده روایات نهی از این قبیل‌اند)، تعارض ذاتی میان آیه متعه و آیات دیگر را نپذیرفته و رابطه آن‌ها را تخصیص یا تقیید می‌داند. همچنین، اجماع ادعایی را به دلیل مخالفت صریح جمعی از صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام و ماهیت اقدام خلیفه دوم، مخدوش و غیرمحقق می‌شمارد.

تعامل با ادله متعارض: اهل سنت با وجود اضطراب در روایات نهی، به دلیل کثرت طرق یا شهرت برخی از آن‌ها (مانند حدیث خیبر یا فتح مکه) و با تکیه بر اجماع بعدی فقها، حکم به نسخ را ترجیح می‌دهند. شیعه با تأکید بر لزوم عرضه روایات بر قرآن و عدم امکان نسخ قرآن با خبر واحد، روایات نهی را یا ضعیف، یا معارض با روایات تحلیل و سیره مستمره دانسته و یا حمل بر تقیه یا شرایط خاص می‌کند و در نتیجه، اصالت را به بقای حکم قرآنی می‌دهد.

۱۱. شناسایی نقاط کلیدی اشتراک و افتراق

اشتراک: مهم‌ترین نقطه اشتراک، پذیرش اصل جواز متعه در صدر اسلام و عمل به آن توسط مسلمانان در زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. همچنین، هر دو گروه در استدلال‌های خود از ابزارهای مشترک تفسیری مانند لغت، سیاق، و روایات بهره می‌برند، هرچند در مصداق‌یابی و اعتبارسنجی متفاوت عمل می‌کنند. اذعان برخی علمای اهل سنت به دلالت اولیه آیه بر متعه نیز نقطه اشتراک قابل توجهی است.

افتراق: نقاط کلیدی افتراق عبارتند از:

در دلالت: معنای واژه «استمتاع» و «اجور»، نقش قرائات شاذ، اعتبار روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل سایر صحابه/تابعین، و تفسیر نهایی سیاق آیه.

در نسخ: امکان و وقوع نسخ قرآن با خبر واحد، وجود یا عدم تعارض واقعی میان آیه متعه و آیات دیگر، اعتبار و نحوه جمع‌بندی روایات متعارض نبوی در باب نهی، و تحقق یا عدم تحقق اجماع بر حرمت و تفسیر ماهیت اقدام خلیفه دوم.

۱۲. بررسی تأثیر احتمالی پیش‌فرض‌های کلامی و فقهی

نحوه مواجهه هر یک از دو مذهب با آیه و ادله مرتبط، بی‌تأثیر از پیش‌فرض‌های کلامی و فقهی آنان نیست:

اهل سنت: جایگاه محوری «اجماع صحابه» و «عمل خلفا» (به ویژه شیخین) در منظومه فکری اهل سنت، نقش مهمی در پذیرش حرمت متعه پس از نهی خلیفه دوم ایفا می‌کند. همچنین، تمایل به حفظ انسجام ظاهری میان آیات و روایات و اولویت بخشی به چارچوب نکاح دائم به عنوان اصل، می‌تواند در ترجیح قول به نسخ یا حمل آیه بر نکاح دائم مؤثر باشد. شیعه: اعتقاد به «عصمت و مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام» به عنوان مفسران حقیقی قرآن و سنت، موجب حجیت قطعی روایات آنان مبنی بر جواز و عدم نسخ متعه می‌شود. همچنین، مبنای «عدم جواز اجتهاد در مقابل نص» و دیدگاه خاص نسبت به اقدامات برخی خلفا، باعث می‌شود نهی خلیفه دوم فاقد مشروعیت برای نسخ حکم قرآنی تلقی گردد. تأکید بر «عدم امکان نسخ قرآن با خبر واحد» نیز از مبانی اصولی مهم شیعه در رد ادله نسخ روایی است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به مسئله نسخ یا بقای این حکم مطرح در آیه ۲۴ سوره نساء پرداخت. یافته‌ها نشان داد که محور اصلی اختلاف، در درجه اول به نحوه فهم دلالت عبارت «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» بازمی‌گردد. مفسران شیعه، با تکیه بر ظهور قوی لفظ «استمتاع» در معنای مصطلح نکاح موقت در عرف زمان نزول، قرائات تفسیری منقول از صحابه و تابعین (مانند افزودن «الی اجل مسمى») و به ویژه روایات متواتر معنوی از اهل بیت علیهم‌السلام، دلالت آیه بر تشریع متعه را روشن و غیرقابل انکار می‌دانند. در مقابل، اکثر اهل سنت با حمل لفظ بر معنای لغوی (بهره‌مندی) یا





تطبیق آن بر نکاح دائم و استناد به سیاق آیات نکاح، دلالت آیه بر متعه را نفی کرده یا حداقل غیرصریح می‌دانند؛ تفسیری که با اشکالاتی چون تکرار غیرموجه و عدم تطابق کامل با احکام مهر دائم مواجه است.

در مسئله نسخ، که نقطه ثقل اختلاف فقهی است، اهل سنت با استناد به مجموعه‌ای از ادله شامل آیات دیگر قرآن (مانند آیه حفظ فروج، آیات طلاق و میراث)، روایات نبوی متعدد (که با اضطراب شدید در تعیین زمان دقیق نهی مواجه‌اند) و اجماع ادعایی صحابه پس از نهی خلیفه دوم، بر نسخ قطعی حکم جواز متعه تأکید دارند. در مقابل، شیعه با تکیه بر اصول فقهی خود، ادله نسخ را قاطعانه به چالش می‌کشد؛ نسخ قرآنی را به دلیل عدم تعارض واقعی و امکان تخصیص، مردود می‌شمارد؛ نسخ به سنت را با توجه به اضطراب و ضعف سندی روایات نهی و عدم امکان نسخ قرآن با خبر واحد، فاقد اعتبار می‌داند و اجماع ادعایی را نیز به سبب مخالفت صریح جمعی از صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام و ماهیت شخصی یا حکومتی نهی خلیفه دوم، غیرمحقق و فاقد حجیت شرعی می‌شمارد. استمرار سیره برخی صحابه و تابعین و به ویژه احادیث متقن اهل بیت علیهم‌السلام بر بقای حلیت، مهم‌ترین مستند شیعه بر عدم وقوع نسخ است.

اهمیت این یافته‌ها در آن است که نشان می‌دهد ریشه اختلاف فراتر از تفسیر لغوی صرف بوده و به اختلاف در مبانی معرفت‌شناسی دینی، حجیت منابع (به ویژه جایگاه سنت اهل بیت ع در مقابل عمل صحابه و اجماع) و اصول استنباط (مانند شرایط نسخ و رابطه عام و خاص) بازمی‌گردد. قوت استدلال شیعه بر دلالت آیه با توجه به ظهور لفظی و قراین متعدد تاریخی و روایی و همچنین استحکام مبانی اصولی این مکتب در نقد ادله نسخ، جایگاه ویژه‌ای در این تحلیل دارد.

منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ه. ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثه، ۱۴۱۵ ه. ق.
۴. بغوی، حسین بن مسعود. تفسیر البغوی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه. ق.
۵. ثعلبی، احمد بن محمد. الكشف و البیان. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.
۶. جرمان، عبدالرحمن عبدالله سرور، دراسة تفسیریة لقوله تعالى «كما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن»، جامعة أم القرى، شماره ۶۵، ص ۱۰۳-۱۶۳، ۱۴۳۶
۷. جصاص، احمد بن علی. احکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.
۸. حسینی، فاطمه سادات و حسینی جهان آباد، بی بی زهرا، ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آراء تفسیری فریقین با تاکید بر انسجام، نظریه شبکه ای و فراعصری بودن متن، دین و دنیای معاصر، شماره ۱۸، ص ۶۵-۹۷، ۱۴۰۲
۹. سمرقندی، نصر بن محمد. تفسیر السمرقندی. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ ه. ق.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه. ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه. ش.
۱۲. طبری، محمد بن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ه. ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود. التفسیر. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ق.
۱۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. کنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مرتضوی، ۱۳۷۳





۵.ش.

۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ه.ش.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۹. ماتریدی، محمد بن محمد. تأویلات أهل السنة. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۰. مغنیه، محمد جواد. التفسیر الکاشف. قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ ه.ق.
۲۱. مظفر، محمدرضا. أصول الفقه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بیتا.
۲۲. مکی بن حموش. الهدایة إلى بلوغ النهایة. شارجه: جامعة الشارقة، ۱۴۲۹ ه.ق.